



نشان شرافت برای ناصر تقوایی (۱۴۰۴-۱۳۲۰) فیلمساز آزاده ای که تسلیم سانسورنشده و آزاد و رها، به «آرامش بدون حضور دیگران!» رسید.

سینمای بی‌مرام

درباره عکسی از مراسم خاکسپاری مرحوم کاسبی

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

عکس‌های مراسم تشییع مرحوم محمد کاسبی با تصویری که در این سال‌ها از بدرقه یک سلب‌برتی‌سآن هم با این سابقه فعالیت در سینمای ایران-دیدیم، زمین تا آسمان فرق دارد. تصویر آشنایی که بعد از مرگ هر سلب‌برتی به چشم ما می‌خورد ترکیبی از بازیگران و سیاهی لشکرهای سیاه‌پوشی بود که عینک دودی می‌زدند و تکیه‌شان را به دیوارهای خانه سینما می‌دادند. گل سرسبد مراسم‌ها هم مسعود کیمیایی و بهمن فرمان‌آرا و محمود دولت‌آبادی و ... بودند. البته که گاهی به فراخور رفاقت و دوستی‌ها این ترکیب تغییر می‌کرد. نگران نباشید احتمالاً این بار بزرگی جمع بر دوش بهزد فراهانی، احمد مسجدجامعی و سیداحمد محیط طباطبایی می‌افتاد. از آنطرف منوچهر شهنسواری و علی دهکردی و پژمان بازغی نقش صاحب‌عزا را بازی می‌کردند. به این ترکیب اضافه کنید نطق غرابی که پرویز پرستویی، شهاب حسینی، غزل شاکری یا ... در پشت تربیون در رثای عزیز از دست‌رفته به سمع و نظر شرکت‌کنندگان در مراسم می‌رسانید. مرگ با اینکه روند طبیعی یک زندگی است اما برای آدم‌های معمولی شبیه ما تلخ و هولناک است. برای همین وقتی با این روند طبیعی روبه‌رو می‌شویم هول برمان می‌دارد. ترس از مرگ هر بدی داشته باشد یک خوبی هم دارد. یعنی اگر نتواند تا قبل از وقوع به داد آدم‌بازد برسد در لحظه رسیدنش به کمک بازماندگان می‌آید و لااقل برای لختی هم که شده آدم‌بازد خیره‌سر را سر به صلاح می‌کند. با دیدن عکس‌های این مراسم اما انگار خبری از این تلنگر نیست که نیست. تصویری که می‌بینیم بیشتر شبیه لشکرکشی دو گروه سیاسی است. در حقیقت این وضعیت تلخ، نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ای از شخصیت انسانی است که حتی در مواجهه مستقیم با فنا و فقدان، قادر به فروتنی و همدلی نیست. وقتی حتی مرگ نتواند دو جناح و تفکر را به هم نزدیک کند چه چیزی می‌تواند؟ با دیدن عکس‌ها حتی به این فکر کردم که شاید این غیبت‌ها، ناشی از کینه‌های قدیمی، رقابت‌های حرفه‌ای، یا اختلاف‌نظرها باشد. اما مگر می‌شود مردی که عده‌ای او را با مرام سینمایی‌می‌دانستند عده‌ای دیگر برایش مرام نگذارند. واقعیت این است که این روزها در فضای فرهنگی کشور شکافی افتاده که به این سادگی‌ها پرشدنی نیست؛ شکافی بر آمده از خودخواهی و سیاست‌بازی. خدایش بیامرزد.



آن کریدور و این صلح



علی آهنگر

نویسنده و پژوهشگر تاریخ

دیپلماسی و جنگ مانند دو بال برای پرواز یک پرنده‌اند. چنان‌که شیخ اجل فرمود: «چو شمشیر پیکار برداشتی/نگهدار پنهان ره آشتی؛ که گردن‌فرزان مغفرشکاف/نهان صلح جستند و پیدا مصاف. سعدی با نیک‌بینی و زیرکی کارکرد هر دو بال جنگ و دیپلماسی را در این بیان موجز به تصویر کشیده است. پیکار و آشتی، صلح و مصاف دو متضاد در پیوند با یکدیگرند. مانند شب و روز که از دل یکدیگر زاده می‌شوند. تاریکی شب ناگهان بر چهره زمین نمی‌بارد، و روشنایی روز به ناگاه بر سستیغ قله‌ها غلیان پیدا نمی‌کند، بلکه سفیدی روز در عصرگاهان رنگ می‌بازد و جای خود را به گرگ و میش، آنگاه به تاریکی می‌سپارد و سپیده نیز از دل سیاهی شب در‌ذره دمیده می‌شود. و اینجاست که خداوند حکیم بر هر دوی این لحظه‌ها سوگند یاد می‌کند: قسم به شب و قتی که بازمی‌گردد، و سوگند به سپیده آن‌گاه که می‌دمد و می‌نفسد. دیپلماسی و جنگ نیز مانند روشنایی و تاریکی‌اند. هر کدام ویژگی‌ها، شیوه‌ها و کارکردهای خود را دارند. درست به مانند روز و شب که از اندرون یکدیگر زاده می‌شوند. در تالزم با یکدیگرند. اما چیزی که هست اینکه جنگ کارکردهای خود و سخت‌گویان خود را دارد، و دیپلماسی شیوه‌های خود و روش‌های خود را. همان‌گونه که دونالد ترامپ نمی‌تواند هم‌زمان هم رئیس‌جمهور صلح‌باشد و هم رئیس‌جمهور جنگ، دستگاه وزارت‌خارج‌ه هم در جایگاه ریاست دیپلماسی کشور، نمی‌تواند هم بر کوس جنگ با غریبی ترساننده بکوبد و هم آوایی اندک در دیپلماسی بسراید. وزارت‌خارج‌ه، دستگاه دیپلماسی است. جنگ و دیپلماسی هرکدام متصنّفان و زبان‌آوران خود را دارند. دستگاه دیپلماسی، پیش از هر چیز باید برای خودش روشن کند که در میدان نبرد است یا در سرسرای تعامل؟ ذات ماهیت این دو مکان از یکدیگر متفاوت است. دستگاه دیپلماسی باید بداند در دولتی که او خدمت می‌کند، وزارت‌خانه‌ای درست هم‌ارز به‌نام وزارت دفاع هم وجود دارد. آن‌ها خوب می‌دانند که باید چکار کنند و به وظیفه‌هایشان تسلط کامل دارند. متصنّفان جنگ و دفاع در آموزش‌های فرماندهی خود دریافته‌اند که جنگ زمانی برپا می‌شود که دیپلماسی شکست خورده باشد. جنگ پیامد دیپلماسی ناتوان و شکست‌خورده است. جنگاوان می‌دانند که باید رخنه‌ها و ناتوانی‌های دیپلماسی را پوشش دهند و ترمیم کنند. اگر دیپلماسی قدرت و کفایت لازم را نداشته باشد و دست خالی به خانه برنگردد، کوس جنگ هیچ‌گاه به صدا در نمی‌آید. وزارت‌خارج‌ه وظیفه‌اش ساختن صلح عزتمندانه و سیاست‌های متضمن منفعت ملی است. در تعریف منفعت ملی گفته‌اند: نیازها و مصلحت‌هایی است که تحقق آن‌ها بقا، امنیت، رفاه و قدرت یک ملت یا کشور تضمین می‌کند. نیازها و مصلحت‌های تضمین بقا، امنیت، رفاه و قدرت ملت و کشور ایران اکنون و در این زمان در چیست؟ اتخاذ چه مصلحت و ساختن چه سیاستی متضمن بقا، امنیت، رفاه و قدرت کشور ایران است؟ این رویکرد دستگاه دیپلماسی چنان بود که نتوانست در تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به راهکاری دست یابد که منجر به آن گزارش گروسی به شورای حکام نشود؛ گزارشی که بسیاری آن را زمینه‌ساز حمله اسرائیل و آمریکا به ایران در جنگ ۱۲ روزه می‌دانند. افزون بر این، همین رویکرد دوری‌گزیدن از مبانی دیپلماسی چنان بود که در گفت‌وگوها با سه کشور اروپایی و دیگر کانال‌های تأثیرگذار، نتوانست مانع از بازگشت دوباره تحریم‌های سازمان ملل و اجرای انسپیکر شود. دالان اقتصادی جهان به نام کریدور آیمک، در دولت بایلدن و در نشست ۱۹ و ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ در هند با سامدهای بسیار پی‌افکنده شد. کردبوری اقتصادی که هدف‌های ژئوپلیتیکی تغییردهنده‌ای در خود داشت. این کریدور از هند تا اروپا کشورهای بی‌شماری را درگیر خود می‌کند. جنگ‌های بی‌پایان خاورمیانه، تمام این کشورهای درگیر در «کریدور آیمک» را به این نتیجه رساند که خاورمیانه به صلحی پایدار نیاز دارد تا بتواند به هدف‌های بلندمدت اقتصادی خود دست پیدا کند و این‌گونه بود که در دولت ترامپ «صلح خاورمیانه» با حضور بیش از ۲۰ کشور از سرتاسر جهان رقم زده شد. آن «کریدور» و این «صلح» مانند همان شب و روز، پایبند یکدیگرند. تا شب باشد، روز نمی‌آید. تا جنگ باشد، جریان سرمایه به حرکت در نمی‌آید و خاورمیانه در تب و تاب به جریان انداختن سرمایه است؛ از این رو چهره‌ای تازه برای خویش ترسیم می‌کند. چهره‌ای که امنیت سیاسی آن، تضمین‌کننده بقا، رفاه اقتصادی است. پرسش این است: منفعت ملی ایران در ترسیم خاورمیانه جدید چگونه تعریف می‌شود؟ مصلحت‌هایی که بقا، امنیت، رفاه و قدرت ایران را در این شرایط به تصویر می‌کشد، کدام‌اند؟ دستگاه دیپلماسی به‌عنوان بدنه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری چه تصمیم‌ها و سیاست‌هایی را ساخته و پرورش داده و به نهادهای بالادستی خود ارائه داده است؟ در چنین شرایطی، آیا وظیفه دستگاه دیپلماسی پای نهان در حوزه وزارت دفاع است یا ساختن سیاست‌هایی که منفعت ملی کشور را تحقق بخشد؟ رویکرد وزارت‌خارج‌ه در دولت چهاردهم در کدام سمت و سو بوده است؟ دیپلماسی یا فرماندهی جنگ؟ دیپلماسی اگر صدای عقلانیت ملی است، نباید در هیاهوی طبل جنگ گم شود. هنر سیاست آن است که راه بقا و رفاه ملت را از میان پیچ‌وخم نزاع‌ها بگذراند.

تو گم‌هوه به جنگ‌اندوز صلح من چه آید

تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز

قانونی، مجلس قبلاً این اختیار را به دولت واگذار کرده است که با توجه به شرایط، قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند. دولت اخیراً یک مصوبه راجع به موارد مختلف داشت که یکی از بندهای آن هم به موضوع اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، مشخصاً بنزین و نفت و گاز اشاره کرده بود. ولی چیزی تصویب نشد؛ صرفاً یک پیشنهاد مطرح شده که دولت در صورتی که هیئت‌وزیران تصویب کند قیمت بنزین و نفت و گاز را می‌تواند متناسب با تورم سال قبل اصلاح کند.

▼ بنزین در کشور ما مفت است



محمد مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور آتش موضوع افزایش قیمت بنزین را بار دیگر روشن کرد و سه‌شنبه ۲۲ مهر در مصاحبه‌ای با دانشجویان تأکید کرد: «بنزین باید گران شود اما باید در فرآیندی باشد که جامعه‌ان را بی‌ذیرد. فکر نمی‌کنم که امسال گرانی بنزین اتفاقی بیفتد چون پزشک‌یان مقید است اقدامی انجام نشود که مردم نسبت به آن ناراحت شوند. هرگز جمعه صبح متوجه نمی‌شویم. بنزین بی‌خود در کشور مایک مسئله حیثیتی شده است. در حال حاضر قیمت بنزین در کشور ما مفت است.» این جمله چندمین بار است که توسط مسئولان دولت چهاردهم اعلام شده است. «پس از این اظهارنظر بود که امیرحسین ثابتی از افزایش قیمت بنزین آن هم تا ۵۰۰ درصد خبر داد.

▼ افزایش قیمت بنزین تکذیب‌نشده



فاطمه مہاجرانی، سخنگوی دولت با اشاره به اینکه من مصوبه‌ای در این خصوص در دولت ندیده‌ام، گفت: «اما قطعاً دولت در این زمینه شفاف عمل خواهد کرد و مردم را در جریان خواهد گذاشت. دولت هر کاری انجام دهد پنهان کاری نخواهد داشت و مستقیم با مردم صحبت می‌کند. موضوع معیشت مردم و جلوگیری از اثرات آن حتماً بررسی می‌شود. مایل نیستم به مردم فشاری وارد شود. اما نمی‌توانیم از واقعیت‌ها چشم‌پوشانیم. اگر کاری انجام شود، روی کارهای بنزین نیست بلکه روی سهمیه‌های اضافه خواهد بود.»

در حقیقت مهاجرانی افزایش قیمت بنزین را رد نکرده است. بلکه به نوعی افزایش قیمت بنزین آزاد را تشریح کرده است. اما موضوع قابل تأمل آن است که این دولت تصمیم داشت کارت‌های سوخت را جمع‌آوری کند و به جای آن بنزین به کارت‌بانکی متصل شود تا آنهایی که خودرو دارند هم از سوبسید پرداخت‌شده به بنزین محروم‌نمانند. اما اظهارنظرهای جدید بیشتر حاکی از سردرگمی دولت و تصمیم قطعی برای افزایش قیمت بنزین است.

▼ جولانی و بوتین چه می‌خواهند؟

این دو رئیس‌جمهور به یکدیگر نیاز دارند. در این میان، الجولانی به صورت کاملاً واضح علت تمایل خود به بازسازی روابط با روسیه را ابراز کرده است که وابستگی شدید این کشور در حوزه‌های مختلف به مسکو است. به خصوص این که در دوران فشار غرب بر سوریه اسد در جریان وقایع پس از بهار عربی و آغاز جنگ داخلی، روابط دمشق با مسکو فشرده‌تر شد. سیستم نظامی سوریه با توجه به سابقه تاریخی ارتباط کشورهای عربی منطقه با بلوک شرق در دوران شوروی، یک سیستم کاملاً روسی و شرقی محسوب می‌شود. حتی اگر بخش اعظم آن از طریق حمله‌های سنگین اسرائیل پس از سقوط اسد نابود شده باشد. تغییر سیستم نظامی کشورها به ندرت اتفاق می‌افتد چرا که طی سال‌ها بر اساس متدهای آموزشی، تسلیحات و دیگر موارد بنا می‌شود و البته امری پرهزینه است. حکومت جدید دمشق برای اینکه به سرنوشت اسد یعنی هرج و مرج منتهی به بحران دچار نشود، نیاز دارد که هر چه سریع‌تر روند بازسازی ویرانی و جبران خسارت‌های بیش از یک دهه جنگ داخلی و تحریم‌های گسترده علیه سوریه را آغاز کند. انجام این مهم نیز تنها از طریق سرمایه‌گذاری خارجی به خصوص از سوی کشورهای جنوب خلیج فارس، به حرکت درآمدن اقتصاد این کشور، بازبایی ظرفیت‌های نفتی و استفاده از ظرفیت‌های مهندسی و شرکت‌های خارجی امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد سوریه جولانی می‌خواهد مانند عربستان و امارات، حد وسطی میان آمریکا و روسیه به وجود بیاورد تا از این وضعیت خارج شود.

الکساندر نواک، معاون نخست‌وزیر روسیه ساعتی بعد از اعلام پایان مذاکرات هیئت‌دو کشور گفت: «با توافق صورت گرفته، مسکو و دمشق، بزودی جلسه کمیسیون بین‌دولتی توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی را برگزار خواهند کرد. ما در مورد پروژه‌های خاص در زمینه انرژی، حمل و نقل، توسعه گردشگری، توسعه مراقبت‌های بهداشتی و حوزه‌های فرهنگی و بشردوستانه گفت‌وگو کردیم. سوری‌ها زیرساخت‌های تخریب‌شده زیادی از جمله زیرساخت‌های انرژی، راه‌آهن و حمل و نقل دارند و مسکو می‌تواند در راستای بازسازی این تأسیسات از دمشق حمایت کند. مسکو آماده توسعه میدان نفتی سوریه است.» همچنین خبرگزاری رویترز هم گزارش داد که احتمالاً موضوع استقرار مجدد نظامیان روسیه در جنوب سوریه برای به دست آوردن تضمینی مقابل اشغالگری اسرائیل، در مذاکره دوجانبه مطرح شده است.

اما پوتین از جولانی چه می‌خواهد؟ حضور روس‌ها در سوریه محدود به سال‌های اخیر و دوران جنگ با داعش نیست. روس‌ها در دوران اوج جنگ سرد، طی قراردادی با جمهوری عربی سوریه در سال ۱۹۷۱ پایگاه دریایی طرطوس را برپا کردند که برای آن‌ها اهمیتی راهبردی دارد. این پایگاه دریایی محل پشتیبانی ناوگان پنجم شوروی در دریای مدیترانه و همتایی برای مقابله با تأسیسات مشابه ناوگان ششم نیروی دریایی ایالات متحده در دریای مدیترانه (مستقر در ایتالیا) بود. همچنین این محل با توجه به تأسیسات فنی و مخابراتی، برای روس‌ها اهمیت راهبردی در حوزه جمع‌آوری اطلاعات در حوزه اروپا دارد. پایگاه حمیمیم در لاذقیه هم از سال ۲۰۱۵ در اختیار روس‌هاست. تمام تحولات سوریه در ۵۴ سال گذشته باعث نشد که روسیه پایگاه دریایی طرطوس را از دست بدهد. همانطور که بعد از سقوط اسد هم پایگاه حمیمیم را حفظ کرد و همچنان نیز آن را در اختیار دارد. درگیر شدن روسیه در پروژه‌های بازسازی سوریه که طبیعتاً با سرمایه‌گذاری کشورهای منطقه خلیج فارس انجام می‌شود نیز در حوزه اقتصادی برای روسیه که با تبعات تحریم‌های غرب درگیر و در جنگ اوکراین مشغول است، می‌تواند تأثیرگذار باشد.